

اثربخشی مشاوره شغلی مبتنی بر الگوی چند محوری شفیع آبادی بر رفتار

کارآفرینانه دانش آموزان

علی طاهری^۱، کاترین فکری^{۲*}، لادن معین^۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۵/۷ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۲۷

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی اثربخشی مشاوره شغلی مبتنی بر الگوی چند محوری شفیع آبادی بر رفتار کارآفرینانه بررسی اثر بخشی مشاوره شغلی مبتنی بر الگوی چند محوری شفیع آبادی بر رفتار کارآفرینانه دانش آموزان پسر سال سوم دبیرستان بوعلی ناحیه ۱ شیراز بود. روش این پژوهش نیمه آزمایشی با پیش آزمون و پس آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان پسر سوم دبیرستان بوعلی ناحیه ۱ شیراز در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بودند. نمونه گیری در این پژوهش به صورت تصادفی انجام شد. به این صورت که پس از اجرای پرسشنامه رفتار کارآفرینانه فکری، شفیع آبادی، نورانی پور و احقر (Fekri, Shafiabady, Nooranipour & Ahghar, 2012) از بین دانش-آموزانی که نمره کمتری در پرسشنامه گرفتند ۴۰ نفر به تصادف انتخاب و به تصادف در دو گروه آزمایش و گواه ۲۰ نفره جایگزین شدند. سپس گروه آزمایش ۸ جلسه ۱/۵ ساعته آموزش رفتار کارآفرینانه براساس الگوی چند محوری شفیع آبادی دریافت کردند و در گروه گواه مداخله ای صورت نگرفت. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل کوواریانس مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین رفتار کارآفرینانه (خرده مقیاس‌های تصمیم گیری، شناخت فرصت ها، تعیین ساختار، تامین منابع، و تعیین اهداف و راهبردها) دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنا داری وجود دارد. یعنی الگوی چند محوری شفیع آبادی موجب افزایش رفتار کارآفرینانه دانش آموزان پسر سوم دبیرستان شده است.

واژه‌های کلیدی: مشاوره شغلی، الگوی چند محوری شفیع آبادی، رفتار کارآفرینانه

^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره شغلی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، گروه مشاوره، مرودشت، ایران

^۲ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، گروه مشاوره، مرودشت، ایران

^۳ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، گروه مشاوره، مرودشت، ایران

مقدمه

بیکاری رویدادی استرس زاست و تحقیقات نشان می دهد که بیکاران از یک فرایند پنج مرحله- ای عبور می کنند. این مراحل شبیه مراحلی است که افراد درگیر مرگ یا دیگر ضربه‌های هیجانی شدید طی می کنند. در مرحله اول (انکار و انزوا) افراد این حقیقت را که بیکارند انکار می کنند. آنان درباره ارزشمندی خود تردید می کنند. در مرحله دوم (خشم) متوجه می شوند که واقعا شغلی ندارند، لذا خشمگین می شوند و خشمشان را ابتدا به سایرین و سپس نسبت به خود بروز می دهند. در مرحله سوم (چانه زنی) سعی می کنند کاری پیدا کنند وقتی تلاش هایشان شکست می خورد تسلیم می شوند. در مرحله چهارم (افسردگی) ناامید و شکست خورده می شوند در مرحله پنجم (پذیرش) افراد به واقعیت‌های پیش آمده توجه می کنند. مهارت‌ها، توانایی‌ها، و منابعشان را تحلیل می کنند (Liptyk Translated by Zare Bahramabadi & Shafiabadi, 2011). برای کاهش نرخ بیکاری در جوامع راهکارهای مختلفی وجود دارد کارآفرینی یکی از شیوه های کاهش بیکاری و افزایش اشتغال است.

کارآفرینی از دو واژه کار و آفرینی تشکیل شده است. کار از نظر راهنمایی شغلی فعالیتی نسبتا دائمی است که تولید کالا یا خدمتی را به همراه دارد و برای آن دستمزدی پرداخت می شود. کارآفرینی از ریشه فعل آفریدن مشتق شده است پس کارآفرینی یعنی ایجاد موقعیت ها و فرصت- های انجام دادن کار (Shafiabady, 2013). رفتار کارآفرینانه مجموعه فعالیت هایی که افراد در سطوح مختلف مسوولیت با هدف بهره گیری خلاقانه از منابع در جهت شناسایی و استفاده از فرصت ها به انجام می رسانند (Mair, 2002, Quoted from Fekri, 2013).

کارآفرینی علاوه بر کاهش بیکاری موجب توسعه و رشد اجتماعی- اقتصادی جامعه می گردد. مهمترین نقش کارآفرینی عبارتند از: جمع آوری پس اندازهای عمومی و راکدوسرگردان افراد در جهت تامین سرمایه اولیه برای راه اندازی مشاغل مختلف، ایجاد اشتغال پایدار در مقیاس وسیع و حل بحران بیکاری، تمرکززدایی از فعالیت‌های اقتصادی جامعه، بهبود کیفیت زندگی مردم، مرغوبتر شدن تولیدات با توجه به ایجاد بازار رقابت، بهبود و توسعه تجارت خارجی و افزایش صادرات کالا، و افزایش درآمد و ثروت عمومی (Shafiabady, 2013).

نتایج پژوهش‌ها نشان داده که کارآفرینی قابل آموزش دادن است. برای مثال شیرو، تاجیسو و سیوشت (Chiru, Tachicu & Ciuchete, 2012) در تحقیقی به بررسی عوامل روان شناختی و استعداد‌های اکتسابی در آموزش کارآفرینی پرداختند. این مطالعه رویکردی برای آموزش کارآفرینی بر مبنای شناخت استعداد و دانش کارآفرینی دانشجویان پیشنهاد کرده است که اثربخشی این نوع آموزش را تایید می کند. راتن (Ratten, 2013) در تحقیقی با عنوان چشم انداز شناختی اجتماعی به اصول اخلاقی، کارآفرینی، تکنولوژی بازاریابی، اثرات فردی کامپیوتر و نتیجه انتظار در نیت‌های

رفتاری بیان می‌کند که آموزش تکنولوژی بازاریابی با تئوری شناختی اجتماعی، اهمیت یادگیری فرد در مورد نوآوری، و پذیرش آنها در زمینه آموزش کارآفرینی اهمیت دارد. بارانی و همکاران (Barani & et al, 2010) در تحقیقی روی ۱۴۰ نفر از دانشجویان رشته مهندسی صنایع دانشگاه پیام نور کرمانشاه رابطه بین آموزش کارآفرینی را با رفتار کارآفرینانه مورد بررسی قرار دادند و فرضیه پژوهش آنها مورد تایید قرار گرفت. سعیدی مهرآباد و مهتدی (Saeidi Mehbadi & Mohtadi, 2008) در مطالعه‌ای به بررسی تاثیر آموزش کارآفرینی بر توسعه رفتارهای کارآفرینانه در وزارت کار پرداخته است. نتایج به دست آمده از مطالعه‌ی وی نشان می‌دهد که برگزاری دوره‌های کارآفرینی تأثیرات مثبتی بر بروز رفتارهای کارآفرینانه در وزارت کار داشته است. به گونه‌ای که شرکت در دوره‌های یاد شده باعث تحریک فراگیران نسبت به تغییر وضعیت شغل و کسب و کار خود شده و تلاش کنند خود را به سطوح بالاتر برسانند.

دوران دبیرستان مصادف با تصمیم‌گیری جدی برای انتخاب شغل است. لذا آموزش رفتار کارآفرینانه به دانش‌آموزان در دوران دبیرستان می‌تواند راهی برای اشتغال آنان در آینده‌ای نزدیک باشد. به طور کلی هدف از پرورش رفتارهای کارآفرینی در دانش‌آموزان تربیت دانش-آموختگانی است که در آینده بتوانند پاسخگوی نیاز خود و دیگران به کار باشند. با این وجود به نقش مشاوره شغلی در آموزش رفتار کارآفرینانه در دوران متوسطه توجه کمی شده است. در حالی که تحقیقات تاثیر مشاوره شغلی را در آموزش کارآفرینی تایید کرده‌اند. برای مثال مهرابی رزوه، برماس و حسینی اصلی (Bermas & et al, 2012) در پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر مشاوره شغلی بر تغییر نگرش و افزایش رفتار کارآفرینانه و اشتغال زایی دانشجویان به این نتیجه رسیدند که مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی بر تغییر نگرش کارآفرینانه و افزایش رفتار کارآفرینانه دانشجویان موثر بوده است.

فکری و شفیع‌آبادی (Fekri & Shafiabady, 2014) در تحقیقی با عنوان کاربرد نظریه پارسونز در آموزش رفتار کارآفرینانه سازمانی به این نتایج دست یافتند که نظریه انتخاب شغل پارسونز موجب افزایش رفتار کارآفرینانه دانشجویان شاغل شده است. و به نقش و اهمیت مشاوره شغلی و کاربرد نظریه‌های انتخاب شغل در کارآفرینی می‌توان اشاره کرد. اما در تحقیقات اندکی هم که در این زمینه انجام شده است بیشتر بر نظریه‌های خارجی تاکید شده است در حالی که استفاده از الگوهای مشاوره شغلی بومی که متناسب با فرهنگ و آداب و رسوم ماست می‌تواند در این زمینه موثرتر باشد.

الگوی چندمحوری شفیع‌آبادی تنها الگوی مشاوره شغلی بومی است که بر پنج محور اصلی موثر آموزش کارآفرینی یعنی پویایی، هدفمندی، خویشتن‌پنداری، نیازها و تصمیم‌گیری تاکید دارد. این پنج محور عوامل تشکیل‌دهنده شیوه زندگی هستند که هر یک از این عوامل به نوبه خود

حاصل تعامل عوامل جسمانی- روانی، اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی- سیاسی می‌باشد. در نهایت شیوه زندگی خط مشی رفتار و چگونگی رسیدن به هدف رامشخص می سازد (Shafiabady, 2013) اثر بخشی این الگو در تحقیق صیادی، شفیع آبادی و کرمی (Sayadi & et al, 2010) بر میزان توانمندسازی روان شناختی مشاوران مورد بررسی قرار گرفته است و نتایج نشان داده است که این الگو بر افزایش توانمندسازی تاثیر مثبت و معناداری داشته است. همچنین تاثیر این الگو در آموزش ابعاد ۵ گانه رفتار کارآفرینانه دانشجویان شامل تصمیم گیری، شناخت فرصت‌ها، تعیین ساختار، تامین منابع، و تعیین اهداف و استراتژی‌ها در تحقیق فکری، شفیع آبادی، نورانی پور، و احقر (Fekri, Shafiabady, Nooranipour, Ahghar, 2013-A) تایید شده است. همچنین فکری و شفیع-آبادی (Fekri & Shafiabady, 2013-B) در پژوهشی به "مقایسه اثربخشی مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری شفیع آبادی و نظریه یادگیری اجتماعی کرامبولتز بر رفتار کارآفرینانه دانشجویان مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت" پرداختند نتایج نشان داد که: ۱- هر دو الگو برنمره کل رفتار کارآفرینانه دانشجویان و خرده مقیاس‌های شناخت فرصت‌ها، و تعیین راهبردهای کارآفرینی تاثیر مثبت داشته اند و اثربخشی الگوی چندمحوری شفیع آبادی بیشتر بوده است. ۲- هر دو الگو بر مقیاس تصمیم گیری برای کارآفرینی تاثیر مثبت داشته اند اما تفاوت معنادار نبوده است. در سایر خرده مقیاس‌ها نیز تفاوت هایی بین اثربخشی دو الگو وجود داشت که منجر به طراحی یک الگوی تلفیقی از الگوی چندمحوری و نظریه یادگیری اجتماعی بر مبنای نتایج به دست آمده برای آموزش رفتار کارآفرینانه و خرده مقیاس‌هایش شد.

منتهی اهمیت توجه به این الگوی بومی مشاوره شغلی در دوره دبیرستان هنوز مورد توجه قرار نگرفته است. در حالی که اگر دانش آموزان دوره متوسطه که تا حدودی بامشاغل موجود آشنایی دارند و انتخاب رشته تحصیلی خود را انجام داده اند مورد آموزش در زمینه رفتار کارآفرینانه قرار گیرند می‌توانند با تفکری بهتر در مورد کار و کارآفرینی مواجه شود و درآینده علاوه براینکه برای خویشتن شغل مناسبی را ایجاد می‌کنند و تنها به دنبال استخدام شدن نیستند به عنوان نیروی محرکه اشتغال برای دیگران نیز خواهد بود و موجب کاهش مشکلات اشتغال می‌شوند. بنابراین این پژوهش با هدف رفع خلاهای موجود در این زمینه بدنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا الگوی چندمحوری شفیع آبادی بر رفتار کارآفرینانه دانش آموزان پایه سوم متوسطه تاثیر معنادار دارد؟

فرضیه

الگوی چندمحوری شفیع آبادی بر ابعاد رفتارهای کارآفرینانه (شامل تصمیم گیری، شناخت فرصت‌ها، تامین منابع، تعیین ساختار، و تعیین اهداف و استراتژی های کارآفرینی) دانش آموزان پسر سوم متوسطه تاثیر معنادار دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق نیمه آزمایشی با پیش آزمون و پس آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری کلیه دانش آموزان پسر سال سوم دبیرستان مدرسه بوعلی ناحیه ۱ شیراز در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بودند که مجموعاً ۲۰۰ نفر می‌شدند. پرسشنامه در بین کل جامعه آماری پخش شد و از بین دانش‌آموزانی که در پرسشنامه رفتار کارآفرینانه نمره کمتری را کسب کرده بودند به صورت تصادفی تعداد ۴۰ دانش‌آموز انتخاب شدند و به تصادف در دو گروه ۲۰ نفری آزمایش و گواه جایگزین شدند. پرسشنامه رفتار کارآفرینانه فکری، شفیع آبادی، نورانی پور واحقر (Fekri, Shafiabady, Nooranipour & Ahghar, 2012-C) در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه حاوی ۲۰ سوال با ۵ خرده مقیاس و دو گزینه بله و خیر است که آزمودنی‌ها به ازای پاسخ به گزینه بلی نمره ۱ و به ازای پاسخ به گزینه خیر نمره صفر می‌گیرند. حداقل نمره خرده مقیاس‌های تصمیم‌گیری، شناخت فرصت‌ها، تامین منابع و شرایط و تعیین راهبردها و استراتژی‌ها صفر و حداکثر ۴ و حداقل نمره خرده مقیاس تعیین ساختار صفر و حداکثر ۲ است. حداقل نمره کل پرسشنامه صفر و حداکثر ۲۰ می‌باشد و نقطه برش ۱۰ است. روایی محتوایی پرسشنامه توسط متخصصان تایید شده، روایی سازه از طریق تحلیل عوامل مورد بررسی قرار گرفته، و روایی ملاکی آن از طریق مقایسه نمرات افراد عادی با کارآفرینان مناسب ارزیابی شده است و اعتبارش نیز با اجرا روی ۵۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران از راه ضریب الفای کرانباخ ۰/۹۰ محاسبه گردیده است. اعتبار این پرسشنامه در این پژوهش نیز پس از اجرا روی دانش‌آموزان پسر مقطع راهنمایی از طریق محاسبه ضریب آلفای کرانباخ ارزیابی و مناسب (۰/۸۳) شناخته شد. در مرحله بعد گروه آزمایش ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای آموزش کارآفرینی براساس الگوی چندمحوری شفیع آبادی دریافت کردند و در گروه گواه هیچ مداخله‌ای صورت نگرفت. در پایان داده‌ها با کمک آمار توصیفی میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی تحلیل کوواریانس چند متغیره تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها

نتایج آزمون کوواریانس به جهت آزمون فرضیه پژوهش

جدول ۱ نتایج آزمون F لوین جهت بررسی برابری واریانس ها

نسبت F لون	رفتار کارآفرینی کل	تصمیم گیری	شناخت فرصت ها	تعیین ساختار	تامین و منابع	تعیین اهداف و استراتژی
۶/۸۲	۰/۰۲	۲/۳۱	۱/۵۲	۲/۰۹	۰/۵۳۸	
درجه آزادی اول	۱	۱	۱	۱	۱	۱
درجه آزادی دوم	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸
سطح معناداری	۰/۱۳	۰/۸۸	۰/۰۷	۰/۲۲۵	۰/۱۵۶	۰/۴۶۸

همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می شود در نمره های رفتار کارآفرینی کل و خرده-مقیاسهای آن، سطوح معناداری محاسبه شده F لوین از ۰/۰۵ بزرگتر است، لذا فرض صفر F لوین در این نمره ها تایید می شود یعنی واریانس های دو گروه در این نمره ها با هم برابرند. فرضیه: الگوی چند محوری شفیع آبادی بر رفتار کارآفرینی دانش آموزان پسر مقطع دبیرستان تاثیر معنادار دارد.

جدول ۲ خلاصه محاسبات اثرات بین آزمودنی ها در خصوص نمره های رفتار کارآفرینانه

منبع	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	میزان تاثیر	توان آماری	درجه آزادی	میانگین مجزورات	خطا
کل رفتارهای کارآفرینی	۱	۳۳۸/۲۱	۱۱۷/۸	۰/۰۰۱	۰/۷۸	۱	۳۳	۲/۸۷	
خرده مقیاس تصمیم گیری	۱	۲۶/۰۶	۵۶/۸۱	۰/۰۰۱	۰/۶۳	۱	۳۳	۰/۴۵۹	
خرده مقیاس شناخت فرصت ها	۱	۱۲/۸۲	۱۶/۷۳	۰/۰۰۱	۰/۳۳	۰/۹۷	۳۳	۰/۷۶	
خرده مقیاس تعیین ساختار	۱	۲/۲۵	۸/۳۴	۰/۰۰۷	۰/۲	۰/۸	۳۳	۰/۲۷	
خرده مقیاس تامین منابع	۱	۶/۰۱	۵/۴۵	۰/۰۲۶	۰/۱۴	۰/۶۲	۳۳	۱/۱	
خرده مقیاس تعیین اهداف و استراتژی	۱	۳۳/۰۶	۲۹/۷۷	۰/۰۰۱	۰/۴۷	۱	۳۳	۱/۱۱	

به استناد جدول ۲ خلاصه محاسبات اثرات بین آزمودنی های رفتار کارآفرینی کل و با در نظر داشتن میزان خطا (تفاوت های فردی) در خصوص نمره کل رفتار کارآفرینانه و خرده مقیاس های تصمیم گیری، شناخت فرصت ها، و تعیین اهداف سطح معناداری ($P=0/001$) و در خصوص نمره خرده مقیاس های تعیین ساختار و تامین منابع به ترتیب سطح معناداری $0/007$ و $0/026$ به دست آمده که از خطای $0/05$ کوچکتر است در نتیجه می توان گفت الگوی چند محوری شفیع-آبادی بر رفتار کارآفرینانه و تمامی ابعاد آن (تصمیم گیری، شناخت فرصت ها، تعیین ساختار، تامین منابع و تعیین اهداف و استراتژی ها) تاثیر معنادار دارد و فرضیه های صفر تحقیق با اطمینان $0/95$ درصد رد می شود. میزان این تاثیر برای نمره کل رفتار کارآفرینانه و خرده مقیاس های آن شامل تصمیم گیری، شناخت فرصت ها، تعیین ساختار، تامین منابع، و تعیین راهبردها و استراتژی ها به ترتیب $0/78$ ، $0/63$ ، $0/33$ ، $0/20$ ، $0/14$ ، و $0/47$ است لذا می توان گفت به ترتیب 78 ، 63 ، 33 ، 20 ، 14 ، و 47 درصد کل واریانس (تفاوت های فردی) نمره کل رفتار کارآفرینانه و ابعادش در اثر تفاوت های بین گروه های آزمایش و کنترل بوده است، همچنین توان آماری برای نمره کل رفتار کارآفرینانه و خرده مقیاس های تصمیم گیری و تعیین اهداف 1 است. به عبارت دیگر 100 درصد احتمال خطای نوع اول وجود ندارد. همچنین توان آماری برای خرده مقیاس های شناخت فرصت ها، تعیین ساختار، و تامین منابع به ترتیب $0/97$ ، $0/80$ ، و $0/62$ است یعنی به ترتیب 3 درصد، 20 ، و 38 درصد احتمال خطای نوع اول وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه: الگوی چندمحوری شفیع آبادی بر ابعاد رفتارهای کارآفرینانه دانش آموزان پسر سوم متوسطه تاثیر معنادار دارد. نتایج نشان داد که الگوی چند محوری شفیع آبادی بر نمره کل رفتار کارآفرینانه و تمامی ابعاد آن (تصمیم گیری، شناخت فرصت ها / تعیین ساختار، تامین منابع، و تعیین راهبردها و استراتژی ها) تاثیر معنادار دارد. این یافته ها با یافته های تحقیق فکری، شفیع-آبادی، نورانی پور و احقر (Fekri, Shafiabady, Nooranipour & Ahghar, 2013-A) روی دانشجویان همخوان و با پژوهش فکری و شفیع آبادی (Fekri & Shafiabady, 2013-B) روی دانشجویان در خرده مقیاس های تصمیم گیری، شناخت فرصت ها، تعیین ساختار، و تعیین راهبردها و استراتژی ها همخوان و در خرده مقیاس تامین منابع ناهمخوان است.

با توجه به بومی بودن الگوی چند محوری و جدید بودن تحقیقات انجام شده در زمینه کارآفرینی براساس آن علت اثر بخشی الگوی چند محوری را بر رفتار کارآفرینانه را بیشتر از این که در پیشینه تحقیقات بتوان جستجو کرد می توان به ترکیب 5 محور پویایی، هدفمندی، خویشتن پنداری، نیازها، و تصمیم گیری در این الگو و بسته طراحی شده فکری و شفیع آبادی (Fekri & Shafiabady, 2014) برای آموزش رفتار کارآفرینانه بر اساس مفاهیم الگوی چند محوری شفیع-

آبادی که در این تحقیق بکار گرفته شده نسبت داد. چرا که در الگوی چند محوری پویایی به معنای تحرک و خلاقیت و بروز کردن اطلاعات است. لذا بسته طراحی شده از طریق افزایش اطلاعات جدید و نگاه خلاقانه و تشویق تحرک در زمینه جمع آوری اطلاعات بجای منفعل بودن افراد را برای شناخت فرصت های کارآفرینی آماده می کند. بنابراین به آزمودنی ها تکلیف داده شد تا براساس محور پویایی هر روز به جمع آوری اطلاعات شغلی و بروز کردن اطلاعات شغلی شان در حیطه شغل مورد علاقه شان برای کارآفرینی بپردازند و در نهایت براساس نتایج بدست آمده فرصت های کارآفرینی را در شغل مورد نظرشان شناسایی کنند. هدفمندی به معنای داشتن طرح و برنامه و رهایی از احساس حقارت و رسیدن به استقلال از طریق شغل است، لذا در این بسته آموزشی از آن برای شناخت ضرورت کارآفرینی برای رهایی از بیکاری و احساس حقارت ناشی از آن و همچنین تعیین ساختار کارآفرینی (فردی یا شراکتی بودن و میزان اختیارات) از طریق برنامه ریزی بهره گرفته شده است. لذا به اعضا تکلیف داده شد تا درباره هدف های اشتغال فکر کنند و با جمع بندی نظرات آنان هدف های تخیلی، تسلسلی، و رشدی انتخاب شغل به اعضا معرفی شد (بدین معنی که اهداف اشتغال ابتدا خیالی و کلی هستند، لذا باید بصورت اهداف جزئی که قابل دسترسی هستند تعریف شوند و سپس سلسله مراتبی برای آنها مشخص شود و برای رسیدن به هر کدام برنامه ریزی شود). سپس از افراد درباره تعریف ساختار کارآفرینی سوال شد و با جمع بندی نظرات آنان ساختار کارآفرینی به معنای تعیین فردی یا شراکتی بودن کارآفرینی و تعیین میزان و نوع مسوولیت های هر یک از اعضا در کارآفرینی به اعضا معرفی شد و ارتباط آن با محور هدفمندی مورد بررسی قرار گرفت.

خویشتن پنداری به معنای تصور و پندار هر فرد درباره توانایی های خود است لذا در بسته طراحی شده از طریق تقویت خویشتن پنداری مثبت افراد با بررسی موفقیت ها و پیشرفت های آنان به ایجاد انگیزه و تصمیم گیری افراد برای کارآفرینی در زمینه شغل انتخابی کمک شده است. بنابراین از اعضا خواسته شد که براساس تصور و پنداری که از توانایی خودشان برای انجام مشاغل دارند حداقل پنج ویژگی مثبتشان را روی برگه ای یادداشت کنند. همینطور از آنان خواسته می شود که دو به دو به گفتگو بپردازند و درباره موفقیت ها و فعالیت های روزمره شان با هم گروهی شان صحبت کنند و از عضو دیگر گروه خواسته می شود که کلیه نقاط مثبت طرف مقابل را برای انجام مشاغل مختلف اولاً براساس مشاهداتش و دوماً براساس اظهارات طرف مقابل درباره موفقیت ها و فعالیت هایش مشخص کنند و روی برگه ای بنویسند و به او بدهند و در همین زمینه تکالیف مشابه خانگی نیز داده شد. نیازها به معنای نیازهای جسمی، روانی، و اجتماعی است، لذا از این محور در این بسته آموزشی برای کمک به افراد جهت شناسایی منابع مالی و انسانی لازم برای کارآفرینی استفاده شد یعنی از اعضا خواسته شد که فکر کنند و نیازهای مالی و انسانی لازم برای

کارآفرینی در شغل مورد نظرشان را شناسایی کنند. سپس با بحث و تبادل نظر گروهی راهکارهای تامین هریک از نیازهای نامبرده شده را مشخص کنند و تصمیم گیری به معنای شناسایی مساله، مشخص کردن راهکارها، تحلیل راهکارها، تلفیق راه حل‌ها و در نهایت انتخاب راهکار مناسب است، لذا از طریق آن در این بسته آموزشی طراحی شده به اعضا کمک شد تا راهبردهای و استراتژی‌های مناسب برای کارآفرینی را تدوین کنند. بدین ترتیب که از اعضا خواسته شد که برای عملیاتی شدن طرحشان در زمینه کارآفرینی راهکارهای لازم را براساس مراحل تصمیم‌گیری شغلی مشخص کنند و همچنین استراتژی‌های لازم برای رفع مشکلات تامین منابع را که در جلسه قبل با آن مواجه شدند از طریق کاربرد مراحل تصمیم‌گیری روشن سازند.

ناخوانی نتایج پژوهش با پژوهش فکری و شفیع آبادی (Fekri & Shafiabady, 2013-B) را در زمینه خرده مقیاس تامین منابع می‌توان به زمان اجرای پژوهش و نوع مشاغل انتخابی اعضا نسبت داد. چون در پژوهش فکری و شفیع آبادی (Fekri & Shafiabady, -B) زمان اجرای پژوهش نزدیک پایان ترم تحصیلی دانشجویان بود و حجم تکالیف درسی دانشجویان شرکت کننده در کلاس‌های کارآفرینی زیاد بود و فرصت کمتری را روی اجرای تکالیف دوره آموزش کارآفرینی صرف می‌کردند و تامین منابع نیز به فرصت و کار بیشتری نیاز داشت. بعلاوه نوع مشاغل انتخابی آنان برای کارآفرینی به شکلی بود که زمان بیشتری برای تامین منابع مالی و انسانی لازم برای کارآفرینی لازم داشتند.

مهمترین محدودیت این پژوهش اجرای آن روی گروه دانش آموزان پسر سوم دبیرستان است. بنابراین تصمیم یافته‌ها باید با دقت و انجام پژوهش‌های مشابه روی سایر مقاطع تحصیلی و جوامع گسترده تر صورت گیرد. براساس نتایج این پژوهش و تاثیر گذاری الگوی چند محوری شفیع آبادی بر رفتار کارآفرینانه دانش آموزان سال سوم دبیرستان به مسوولین محترم آموزش و پرورش می‌شود از این الگوی بومی برای آموزش رفتار کارآفرینانه به دانش آموزان در اوقات فراغت آنان مثلاً در ایام تابستان از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی بهره بگیرند.

تقدیر و تشکر

این مقاله حاصل یافته‌های پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت می‌باشد. بدین وسیله از زحمات مسوولین محترم دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، و زحمات مسوولین محترم وزارت آموزش و پرورش و دبیرستان بوعلی ناحیه ۱ شیراز تقدیر می‌شود.

Reference

Barani, SH., Zarafshani, K., Delangizan, S., and Hosseini Lorgani, M. (2010). The influence of teaching entrepreneurship on the entrepreneurship behavior of students of Payam Noor University-Kermanshah branch: the entrepreneurship modeling approach, **research and planning quarterly in higher education**, 16(3) , 85-105.

Bermas, H; Mehrabi, F; Hoseini Asli.(2012). Effectiveness of career counseling in Attitude Chang and Increasing the Entrepreneurial Characteristics. **Journal of Modern Industrial ,Organization Psychology**, Vol.2 . Issue 7. Summer 2011.PP:87-95.

Branch,Islamic Azad University.2 nd International Conference on Entrepreneurship :22-23 February :Tehran , Iran.

Chiru, C., Tachiciu, L & Ciuchete, S. (2012). Psychological Factors, Behavioural Variables and Acquired Competencies in Entrepreneurship Education. **Procedia-Social and Behavioral Sciences**, 49,4010- 4015.

Fekri,k.,Shafiabady,A.,Nooranipour,R&Ahghar,Gh.(2012-A).Determine and Compare Effectiveness of entrepreneurship education Based on Multi – axial model and Theory of constraints and compromises on learning entrepreneurship skill . **Procedia – Social and Behavioral Sciences Journal** .69. Turkey: 566- 570.

Fekri,k., Shafiabady, A., Nooranipour, R & Ahghar, Gh. (2012-B). Comparison efectivenees stability in two career conceling approaches on entrepreneurship skill over time. **The European Journal of Social &Behavioural Sciences**,3,553-561.

Fekri,k.,Shafiabady,A.,Nooranipour,R&Ahghar,GH.(2012-c).preparation and validation of Entrepreneurial behavior Questionnaire for career counseling, **Research in clinical psychology and counseling**, 2,1,153-164.

Fekri,K&shafiabadi ,A .,Nooranipour,R & Ahghar,GH.(2013-A)Comparing the Effectiveness of Two Approaches of Vocational Counseling on the Components of Entrepreneurial Behavior.,**Quarterly Journal of New Approaches in Educational Administration**, 4(1), 19-32.

Fekri,K&shafiabadi ,A.(2013-B).Compilation of Multi-axial Model and Social Learning Teory At Entrepreneurship Education. **Advances in Environmental Biology**, 7(8),2012-2013.

Fekri, K.,Shafiabady, A., Refahi , Zh ., Zaboli, . (2014 . Comparing the Effectiveness of Vocational Counseling Basedon theShafiabady's

Multi-axial Pattern of Vocational Choice (SMPVC) with Krumboltz's Social Learning Theory in Entrepreneurship Skills of the Students at Marvdasht

Liptic. J. J. (2011). **Treatment planning in Professional consultation** (translated by Zare Bahram Abadi. M. & Shafiabady.A) Tehran; SAMT.

Mair , J (2002) **Entrepreneurial behavior in a large traditional firm: Exploring key drivers** , Barselona : IESE department of strategy INSEAD: Fontainebleau.

Ratten,V. (2013). Asoci cognitive perspective of ethics, entrepreneurship, technology marketing ,computer self- efficacy and outcome expectancy on behavioral intentions, **Australasian Marketing Journal** ,21,137-146.

Saeidi Mehbadi, M., & Mohtadi, M. M. (2008). Effectiveness of Entrepreneurship Education on the Entrepreneurial Behaviors. *Development of Entrepreneurship*, 1(2), 57-73.

Sayadi, E., Shafiabady, E., and Karami, A.(2010). Compiling the psychological capabilization program based on multi-center model of Shafiabadi and comparing its efficacy with Tomas & Velthos cognitive model among consultants of Rasht city high schools. *The Consultancy Culture Quarterly*, (1) 1, 19-48.

Shafiabady , A. (2013). **Guidance and Career Counseling and Theoreis Job selection**, Tehran: Roshd.